

نقدینگی در تله سودهای زودگذر

مسیر اشتباه بانک‌ها به سوی بحران اقتصادی

هدایت نادرست نقدینگی به بخش‌های غیرمولد، عامل اصلی تضعیف رشد اقتصادی و ناتوانی در تحقق توسعه پایدار است

نقدینگی در اقتصاد کشور مان، همچون شمشیری دو لبه است که در صورت مدیریت نادرست می تواند به ابزاری برای تضعیف بنیان‌های اقتصادی تبدیل شود. تمرکز بانک‌ها بر تخصیص منابع مالیی به بخش‌های نپادهای ناکارآمد می‌شود، بلکه به کاهش سرعت رشد اقتصادی و بروز مشکلاتی نظیر تورم فزاینده و رکود تولید منجر می‌شود. کارشناسان اقتصادی همواره هشدار داده‌اند جریان نقدینگی به جای جریان پول به بخش‌های تولیدی و مولد مانند صنعت و کشاورزی، منابع مالی را از این حوزه‌ها دور کرده و به تسریع فرآیندهای غیرمولد می پردازد. این وضعیت با کاهش ظرفیت‌های اشتغال‌زایی و رشد تولید تهدیدی جدی برای توسعه پایدار کشور به حساب می آید.

نقدینگی یکی از عوامل تعیین کننده در رشد اقتصادی هر کشور است. با این حال، چگونگی هدایت این نقدینگی از سوی نظام بانکی، تأثیر مستقیمی بر عملکرد اقتصاد دارد. در ایران ما، بانک‌ها به جای تخصیص منابع به بخش‌های مولد مانند تولید، صنعت، کشاورزی و زیرساخت‌ها، اغلب نقدینگی را به سمت فعالیت‌های غیر مولد مانند خرید و فروش ارز، سفته‌بازی در بازار مسکن و تجارت کوتاه‌مدت سوق می دهند. این روند به گفته کارشناسان، یکی از دلایل اصلی رشد منفی اقتصاد کشور در سال‌های اخیر بوده است.

حجم نقدینگی در کشور مان طی دهه گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافته و طبق گزارش‌ها در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۸ هزار همت رسیده است، اما بخش عمده این نقدینگی به جای تقویت تولید در فعالیت‌های غیر مولد گردش می‌کند. برای مثال، سرمایه‌گذاری در بازارهای موازی مانند خرید ملک یا طلا به دلیل سودآوری سریع، جذابیت بیشتری برای بانک‌ها و سرمایه‌گذاران داشته است.

■ **پیامدهای هدایت نادرست نقدینگی**

هدایت نقدینگی به بخش‌های غیرمولد، پیامدهای مخربی برای اقتصاد به دنبال دارد. نخست، این روند به کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد منجر می‌شود. کارخانه‌ها، کارگاه‌های تولیدی و پروژه‌های کشاورزی به دلیل کمبود منابع مالی با تعطیل می‌شوند یا با ظرفیت پایین فعالیت می‌کنند. این مسئله اشتغال‌زایی را کاهش داده و بیکاری را تشدید می‌کند.



دوم، تمرکز نقدینگی در بخش‌های غیرمولد تورم را افزایش می‌دهد. وقتی منابع مالی به جای تولید، صرف سفته‌بازی و دلالتی می‌شود، تقاضای کاذب در بازارهایی مانند مسکن و ارز ایجاد شده و قیمت‌ها به‌صورت غیرواقعی بالا می‌رود. این تورم، فشار مضاعفی بر اقشار کم‌درآمد وارد می‌کند و شکاف طبقاتی را عمیق‌تر می‌سازد.

سوم، رشد منفی اقتصاد نتیجه مستقیم این روند است. وقتی بخش‌های مولد از منابع مالی محروم می‌مانند، تولید ناخالص داخلی کاهش یافته و اقتصاد کشور در چرخه‌ای از رکود گرفتار می‌شود. گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در برخی سال‌ها منفی بوده که بخشی از آن به ناکارآمدی نظام بانکی در هدایت نقدینگی نسبت داده می‌شود.

■ **راهکارهای تغییر مسیر نقدینگی**

برای رفع این معضل، اصلاح نظام بانکی و تغییر جهت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد ضروری است. نخست، بانک مرکزی باید با اعمال سیاست‌های نظارتی سختگیرانه، بانک‌ها را ملزم به تخصیص درصد مشخصی از منابع خود به بخش‌های تولیدی کند. برای مثال، تسهیلات با نرخ سود پایین برای صنایع کوچک و متوسط می‌تواند انگیزه تولید را افزایش دهد.

دوم، ایجاد مشوق‌های مالیی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، مانند معافیت‌های مالیاتی یا یارانه‌های تولید می‌تواند جذابیت این بخش‌ها را برای بانک‌ها و سرمایه‌گذاران بالا ببرد. در مقابل وضع مالیات بر فعالیت‌های غیرمولد مانند سفته‌بازی در بازار مسکن یا ارز می‌تواند نقدینگی را از این حوزه‌ها دور کند. سوم، تقویت شفافیت در عملکرد بانک‌ها اهمیت دارد؛ انتشار گزارش‌های دوره‌ای از نحوه تخصیص منابع بانکی و نظارت دقیق بر اجرایی تعهدات از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری می‌کند. بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از فناوری‌های نوین، مانند سیستم‌های دیجیتال رصد مالی، جریان نقدینگی را به‌صورت لحظه‌ای کنترل کند.

■ **چشم‌انداز آینده**

تغییر مسیر نقدینگی از بخش‌های غیرمولد به مولد، نیازمند عزم جدی دولت، بانک مرکزی و مجلس است. اگر بانک‌ها بتوانند نقش خود را به‌عنوان موتور محرک اقتصاد ایفا کنند، نه تنها رشد منفی اقتصاد متوقف می‌شود، بلکه زمینه برای توسعه پایدار فراهم خواهد شد. این تحول به افزایش تولید، کاهش تورم و ایجاد فرصت‌های شغلی منجر می‌شود.

پراکندگی حساب‌های بانکی در دستگاه‌های اجرایی یکی از موانع جدی در مسیر شفافیت مالی و مدیریت کارآمد منابع عمومی به شمار می‌رود. نبود تمرکز در گردش وجوه دولتی نه تنها رصد جریان نقدینگی را دشوار می‌کند، بلکه در عمل به رسوب منابع، دوباره‌کاری و افزایش هزینه‌های پنهان منجر شده است. قانون «حساب واحد خزانه» به عنوان راهکاری برای اصلاح این روند، با هدف تجمیع حساب‌های دستگاه‌های اجرایی نزد بانک مرکزی طراحی شده تا امکان نظارت مستمر و دقیق بر جریان مالی دولت فراهم شود. براساس مفاد این قانون، تمامی حساب‌های درآمدی و هزینه‌ای نهادهای دولتی باید در چارچوبی متمرکز و قابل پایش نگهداری شوند. این سیاست می‌تواند با حذف حساب‌های پراکنده، انضباط مالی را بهبود ببخشد و از بروز تخلفات و اتلاف منابع جلوگیری کند. با این حال، اجرای کامل آن هنوز با چالش‌هایی از جمله ضعف زیرساخت‌های فنی، مقاومت سازمانی و ناهماهنگی‌های نهادی روبروست. آیا ساختار اجرایی کشور آمادگی عبور از این موانع را دارد؟

■ ■ ■

حساب واحد خزانه سیاستی است که تمامی حساب‌های بانکی دستگاه‌های اجرایی، نهادهای دولتی و سازمان‌های عمومی را در یک حساب متمرکز نزد بانک مرکزی جمع می‌کند. این اقدام، نظارت بر جریان ورودی و خروجی منابع مالی را ساده‌تر کرده و از پراکندگی حساب‌هایی که گاه به کاهش شفافیت منجر می‌شود، جلوگیری می‌کند.

به گفته یکی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس، سازمان برنامه و بودجه موظف است این سیاست را با جدیت اجرا کند. در حال حاضر، بسیاری از دستگاه‌های اجرایی حساب‌های متعددی در بانک‌های مختلف دارند که این پراکندگی رصد دقیق هزینه‌کرد بودجه را دشوار می‌سازد. چنین وضعیتی می‌تواند زمینه‌ساز ناکارآمدی، سوءاستفاده یا تخصیص غیربهبینه منابع شود.

حساب واحد خزانه با ایجاد ساختاری شفاف و قابل رصد این مشکلات را برطرف کرده و به دولت امکان می‌دهد تا تصویر روشنی از منابع و مصارف خود داشته باشد. این سیستم همچنین به شناسایی منابع غیرفعال یا راکد در حساب‌های دستگاه‌ها کمک می‌کند که می‌توانند برای رفع نیازهای فوری بودجه‌ای یا تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام مورد استفاده قرار گیرند. برای مثال، منابع راکد در برخی دستگاه‌ها می‌توانند به بخش‌هایی مانند زیرساخت‌های حمل‌ونقل یا نظام سلامت تزریق شوند.

■ **نقش بانک مرکزی در نظارت مالی**

بانک مرکزی به‌عنوان نهاد تنظیم‌کننده سیاست‌های پولی، از اجرای حساب واحد خزانه بهره‌مند خواهد شد. به گفته برخی نمایندگان، این حساب متمرکز امکان رصد لحظه‌ای جریان نقدینگی را برای بانک مرکزی فراهم می‌کند. چنین اطلاعاتی برای تنظیم سیاست‌های پولی، کنترل تورم، مدیریت بازار ارز و جلوگیری از نوسانات اقتصادی حیاتی است. برای نمونه، تمرکز حساب‌های بانک مرکزی کمک می‌کند تا میزان پول در گردش، نیازهای مالی دولت و کسری بودجه را با دقت بیشتری تخمین بزنند. این اطلاعات، تصمیم‌گیری‌های پولی را بهبود بخشیده و از افزایش



تمرکز منابع مالی دولت، پیش شرط شفافیت و پاسخگویی

پراکندگی مالی تا کی؟

حذف حساب‌های پراکنده دستگاه‌ها راه را برای نظارت مؤثر و مدیریت دقیق منابع هموار می‌کند

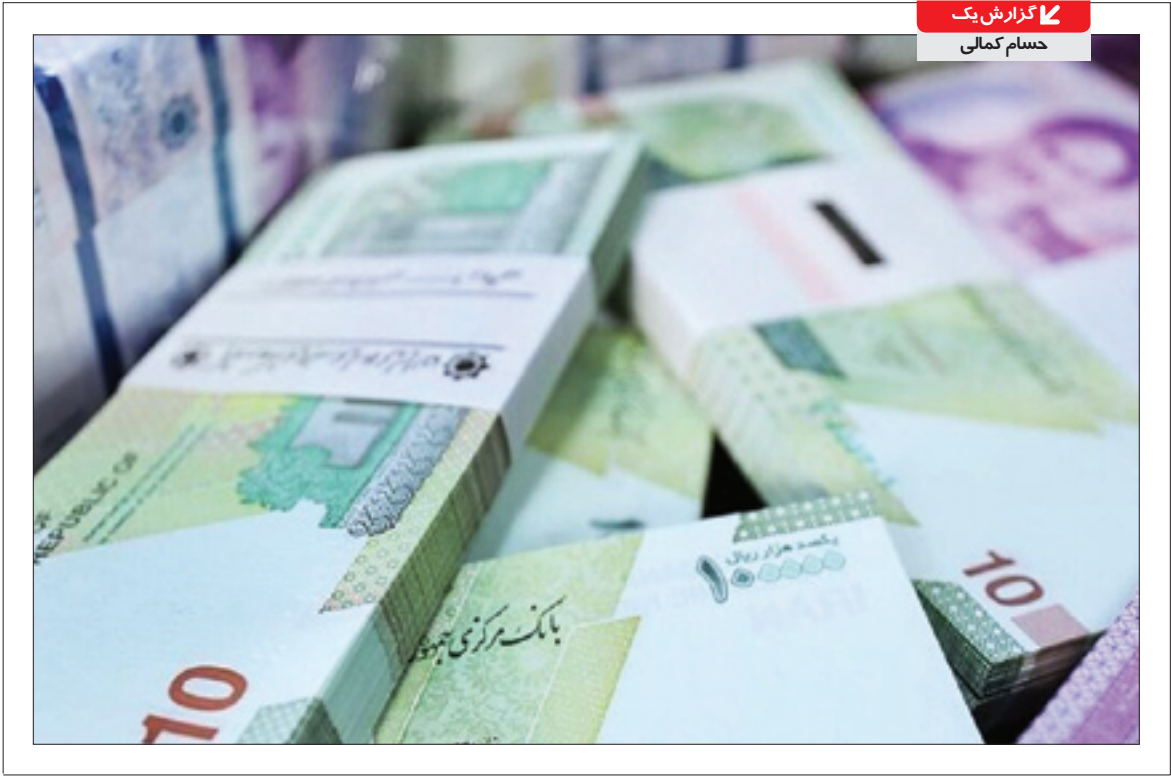
نقدینگی غیرکنترل‌شده که یکی از عوامل اصلی تورم است، جلوگیری می‌کند.

علاوه‌بر این، بانک مرکزی می‌تواند از این سیستم برای مدیریت بهتر بدهی‌های دولت استفاده کند. با دسترسی به اطلاعات دقیق حساب‌های دولتی، این نهاد قادر خواهد بود برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای بازپرداخت بدهی‌ها یا تأمین مالی پروژه‌های کلان داشته باشد. شفافیت مالی ناشی از این سیستم، اعتماد بازارهای مالی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به سیاست‌های دولت تقویت خواهد کرد. برای مثال، سرمایه‌گذاران که به دنبال ثبات مالی در اقتصاد هستند، با مشاهده چنین نظمی انگیزه بیشتری برای همکاری پیدا خواهند کرد.

■ **چالش‌های پیش‌روی اجرا**

با وجود مزایایی متعدد، اجرای حساب واحد خزانه با موانع قابل توجهی مواجه است. برخی دستگاه‌های اجرایی به دلایلی نظیر نگرانی از کاهش استقلال مالی، پیچیدگی‌های اجرایی یا منافع خاص، در برابر تمرکز حساب‌های خود مقاومت می‌کنند. نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور باید

با هر گونه تخلف یا عدم تمکین به قانون برخورد قاطع کنند. یکی از چالش‌های اصلی، نبود زیرساخت‌های فنی کافی است. اجرای این سیاست نیازمند سیستمی



تمرکز منابع مالی دولت، پیش شرط شفافیت و پاسخگویی

پراکندگی مالی تا کی؟

حذف حساب‌های پراکنده دستگاه‌ها راه را برای نظارت مؤثر و مدیریت دقیق منابع هموار می‌کند

یکپارچه برای مدیریت و رصد لحظه‌ای جریان مالی است که ایجاد آن هماهنگی گسترده‌ای بین سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد. برای مثال، بانک مرکزی باید بسترهای فناوری اطلاعات خود را ارتقا دهد تا امکان پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی فراهم شود. آموزش کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای سازگاری با این سیستم جدید نیز زمان‌بر است. بسیاری از دستگاه‌ها ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص یا ناآشنایی با سیستم‌های دیجیتال، در فرآیند انتقال حساب‌ها با مشکل مواجه شوند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی در بخش سازمان‌ها که به روش‌های سنتی عادت دارند، می‌تواند اجرای قانون را کند کند. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی جامع و مداوم برای کارکنان تدوین شود.

■ **انضباط مالی، هدف اصلی**

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حساب واحد خزانه، تقویت انضباط مالی دولت است. انضباط مالی به معنای مدیریت دقیق منابع، جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری و تخصیص بهینه بودجه به اولویت‌های کشور است. در شرایطی که اقتصاد کشور مان با محدودیت‌های بودجه‌ای، فشارهای خارجی و نیازهای داخلی مواجه

یکپارچه برای مدیریت و رصد لحظه‌ای جریان مالی است که ایجاد آن هماهنگی گسترده‌ای بین سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد. برای مثال، بانک مرکزی باید بسترهای فناوری اطلاعات خود را ارتقا دهد تا امکان پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی فراهم شود. آموزش کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای سازگاری با این سیستم جدید نیز زمان‌بر است. بسیاری از دستگاه‌ها ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص یا ناآشنایی با سیستم‌های دیجیتال، در فرآیند انتقال حساب‌ها با مشکل مواجه شوند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی در بخش سازمان‌ها که به روش‌های سنتی عادت دارند، می‌تواند اجرای قانون را کند کند. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی جامع و مداوم برای کارکنان تدوین شود.

■ **چالش‌های پیش‌روی اجرا**

با وجود مزایایی متعدد، اجرای حساب واحد خزانه با موانع قابل توجهی مواجه است. برخی دستگاه‌های اجرایی به دلایلی نظیر نگرانی از کاهش استقلال مالی، پیچیدگی‌های اجرایی یا منافع خاص، در برابر تمرکز حساب‌های خود مقاومت می‌کنند. نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور باید

با هر گونه تخلف یا عدم تمکین به قانون برخورد قاطع کنند. یکی از چالش‌های اصلی، نبود زیرساخت‌های فنی کافی است. اجرای این سیاست نیازمند سیستمی

یکپارچه برای مدیریت و رصد لحظه‌ای جریان مالی است که ایجاد آن هماهنگی گسترده‌ای بین سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد. برای مثال، بانک مرکزی باید بسترهای فناوری اطلاعات خود را ارتقا دهد تا امکان پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی فراهم شود. آموزش کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای سازگاری با این سیستم جدید نیز زمان‌بر است. بسیاری از دستگاه‌ها ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص یا ناآشنایی با سیستم‌های دیجیتال، در فرآیند انتقال حساب‌ها با مشکل مواجه شوند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی در بخش سازمان‌ها که به روش‌های سنتی عادت دارند، می‌تواند اجرای قانون را کند کند. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی جامع و مداوم برای کارکنان تدوین شود.

■ **انضباط مالی، هدف اصلی**

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حساب واحد خزانه، تقویت انضباط مالی دولت است. انضباط مالی به معنای مدیریت دقیق منابع، جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری و تخصیص بهینه بودجه به اولویت‌های کشور است. در شرایطی که اقتصاد کشور مان با محدودیت‌های بودجه‌ای، فشارهای خارجی و نیازهای داخلی مواجه

یکپارچه برای مدیریت و رصد لحظه‌ای جریان مالی است که ایجاد آن هماهنگی گسترده‌ای بین سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد. برای مثال، بانک مرکزی باید بسترهای فناوری اطلاعات خود را ارتقا دهد تا امکان پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی فراهم شود. آموزش کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای سازگاری با این سیستم جدید نیز زمان‌بر است. بسیاری از دستگاه‌ها ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص یا ناآشنایی با سیستم‌های دیجیتال، در فرآیند انتقال حساب‌ها با مشکل مواجه شوند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی در بخش سازمان‌ها که به روش‌های سنتی عادت دارند، می‌تواند اجرای قانون را کند کند. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی جامع و مداوم برای کارکنان تدوین شود.

■ **چالش‌های پیش‌روی اجرا**

با وجود مزایایی متعدد، اجرای حساب واحد خزانه با موانع قابل توجهی مواجه است. برخی دستگاه‌های اجرایی به دلایلی نظیر نگرانی از کاهش استقلال مالی، پیچیدگی‌های اجرایی یا منافع خاص، در برابر تمرکز حساب‌های خود مقاومت می‌کنند. نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور باید

با هر گونه تخلف یا عدم تمکین به قانون برخورد قاطع کنند. یکی از چالش‌های اصلی، نبود زیرساخت‌های فنی کافی است. اجرای این سیاست نیازمند سیستمی

یکپارچه برای مدیریت و رصد لحظه‌ای جریان مالی است که ایجاد آن هماهنگی گسترده‌ای بین سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد. برای مثال، بانک مرکزی باید بسترهای فناوری اطلاعات خود را ارتقا دهد تا امکان پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی فراهم شود. آموزش کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای سازگاری با این سیستم جدید نیز زمان‌بر است. بسیاری از دستگاه‌ها ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص یا ناآشنایی با سیستم‌های دیجیتال، در فرآیند انتقال حساب‌ها با مشکل مواجه شوند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی در بخش سازمان‌ها که به روش‌های سنتی عادت دارند، می‌تواند اجرای قانون را کند کند. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی جامع و مداوم برای کارکنان تدوین شود.

است که بخش قابل توجهی از آن به دهک‌های پایین جامعه اختصاص دارد. —این کمبود، نتیجه سال‌ها کم‌توجهی به تولید مسکن و عدم تعادل بین عرضه و تقاضا بوده است. قانون جهش تولید مسکن که با هدف ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی تصویب شده، تلاشی برای جبران این کسرتی هاست، اما اجرای آن با موانع متعددی مواجه بوده است.

رضایی کوچی پیشنهاد داده که دولت با اعتمادسازی و جذب سرمایه‌های خرد، بخش خصوصی را به مشارکت در پروژه‌های مسکن‌سازی تشویق کند. انبوه‌سازان با تجربه و ظرفیت بالای خود، می‌توانند نقش کلیدی در این فرآیند ایفا کنند، مشروط بر اینکه موانع مالی و بروکراتیک پیش‌روی آنها برطرف شود. برای مثال، تأمین مصالح ساختمانی با قیمت مناسب از طریق بورس و کاهش هزینه‌های جانبی مانند مالیات و حق‌الزحمه ناظران می‌تواند انگیزه بخش خصوصی را افزایش دهد.

■ **نقش بخش خصوصی و انبوه‌سازان**

بخش خصوصی، به‌ویژه انبوه‌سازان از بازیگران اصلی در تحقق اهداف ساخت مسکن هستند. برخی کارشناسان بر این باور هستند که با ایجاد مشوق‌های مالی و تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری، می‌توان ظرفیت این



حساب واحد خزانه با ایجاد شفافیت در مدیریت منابع مالی، اعتماد عمومی به عملکرد دولت را تقویت می‌کند. گزارش‌های ناکارآمدی‌های مالی در گذشته، اعتماد مردم به مدیریت منابع عمومی را تضعیف کرده است. این سیاست، با ارائه سیستمی قابل‌رصد به مردم اطمینان می‌دهد منابع عمومی به‌صورت هدفمند و در راستای منافع ملی هزینه می‌شود

یکپارچه برای مدیریت و رصد لحظه‌ای جریان مالی است که ایجاد آن هماهنگی گسترده‌ای بین سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد. برای مثال، بانک مرکزی باید بسترهای فناوری اطلاعات خود را ارتقا دهد تا امکان پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی فراهم شود. آموزش کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای سازگاری با این سیستم جدید نیز زمان‌بر است. بسیاری از دستگاه‌ها ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص یا ناآشنایی با سیستم‌های دیجیتال، در فرآیند انتقال حساب‌ها با مشکل مواجه شوند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی در بخش سازمان‌ها که به روش‌های سنتی عادت دارند، می‌تواند اجرای قانون را کند کند. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی جامع و مداوم برای کارکنان تدوین شود.

است که بخش قابل توجهی از آن به دهک‌های پایین جامعه اختصاص دارد. —این کمبود، نتیجه سال‌ها کم‌توجهی به تولید مسکن و عدم تعادل بین عرضه و تقاضا بوده است. قانون جهش تولید مسکن که با هدف ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی تصویب شده، تلاشی برای جبران این کسرتی هاست، اما اجرای آن با موانع متعددی مواجه بوده است.

رضایی کوچی پیشنهاد داده که دولت با اعتمادسازی و جذب سرمایه‌های خرد، بخش خصوصی را به مشارکت در پروژه‌های مسکن‌سازی تشویق کند. انبوه‌سازان با تجربه و ظرفیت بالای خود، می‌توانند نقش کلیدی در این فرآیند ایفا کنند، مشروط بر اینکه موانع مالی و بروکراتیک پیش‌روی آنها برطرف شود. برای مثال، تأمین مصالح ساختمانی با قیمت مناسب از طریق بورس و کاهش هزینه‌های جانبی مانند مالیات و حق‌الزحمه ناظران می‌تواند انگیزه بخش خصوصی را افزایش دهد.

■ **نقش نهادهای نظارتی**

نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور نقش کلیدی در اجرای قانون حساب واحد خزانه دارند. دیوان محاسبات به‌عنوان بازوی نظارتی مجلس، وظیفه دارد عملکرد مالی دستگاه‌های اجرایی را بررسی کرده و هر گونه تخلف یا انحراف از قانون را گزارش دهد. سازمان بازرسی کل کشور نیز با اختیارات گسترده خود می‌تواند تحقیقات مستقلی انجام داده و دستگاه‌های متخلف را به مراجع قضایی معرفی کند. هر گونه عدم تمکین به قانون باید از سوی این نهادها با جدیت پیگیری شود. این نظارت قاطع، نه تنها اجرای قانون را تضمین می‌کند، بلکه پیام روشنی به دستگاه‌های اجرایی می‌فرستد که قانون‌گریزی پذیرفتنی نیست. برای مثال، دیوان محاسبات می‌تواند با انتشار گزارش‌های دوره‌ای، دستگاه‌های متخلف را معرفی کرده و از تکرار تخلفات جلوگیری کند.

■ **چشم‌انداز آینده**

اجرای کامل حساب واحد خزانه می‌تواند نقطه عطفی در مدیریت مالی دولت باشد. این سیاست، با ایجاد شفافیت و انضباط مالی، زمینه را برای اصلاحات گسترده‌تر در نظام بودجه‌ریزی کشور فراهم می‌کند. در بلندمدت، این سیستم می‌تواند به کاهش کسری بودجه، بهبود تخصیص منابع و افزایش اعتماد عمومی منجر شود. با این حال، موفقیت این سیاست به همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی، بانک مرکزی و نهادهای نظارتی بستگی دارد. در صورت اجرای دقیق، حساب واحد خزانه نه تنها مشکلات کنونی مدیریت مالی دولت را برطرف می‌کند، بلکه الگویی برای سایر اقدامات اقتصادی خواهد شد. برای مثال، این سیستم می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای دیجیتالی‌سازی کامل نظام مالی دولت عمل کند.

ودیعہ مسکن ۴۰۰ و ۳۰۰ میلیون تومانی برای دهک‌های پایین و بالاتر، گامی برای کاهش فشار مالی بر مستأجران است، اما این ارقام در برابر قیمت‌های نجومی بازار مسکن، تنها نقش مسکن دارند. دولت باید با افزایش مبلغ وام و کاهش نرخ سود، این سیاست را تقویت کند

یکپارچه برای مدیریت و رصد لحظه‌ای جریان مالی است که ایجاد آن هماهنگی گسترده‌ای بین سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد. برای مثال، بانک مرکزی باید بسترهای فناوری اطلاعات خود را ارتقا دهد تا امکان پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی فراهم شود. آموزش کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای سازگاری با این سیستم جدید نیز زمان‌بر است. بسیاری از دستگاه‌ها ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص یا ناآشنایی با سیستم‌های دیجیتال، در فرآیند انتقال حساب‌ها با مشکل مواجه شوند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی در بخش سازمان‌ها که به روش‌های سنتی عادت دارند، می‌تواند اجرای قانون را کند کند. برای رفع این مشکل، لازم است برنامه‌های آموزشی جامع و مداوم برای کارکنان تدوین شود.

بخش را به‌طور کامل فعال کرد. انبوه‌سازان می‌توانند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و روش‌های ساخت سریع، هزینه‌های تولید را کاهش داده واحدهای مسکونی را با قیمت مناسب‌تری به بازار عرضه کنند. یکی از چالش‌های اصلی انبوه‌سازان، تأمین منابع مالی است. بانک‌ها که طبق قانون مکلف به تخصیص ۳۶۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش مسکن هستند، تاکنون تنها حدود ۱۰ درصد از این تعهد را عملی کرده‌اند. این کمبود منابع، پروژه‌های نیمه‌تکمیل مسکن را با کندی مواجه کرده است. کنشگران حوزه مسکن خواستار پیگیری جدی این موضوع از سوی دولت و بانک مرکزی شده و تأکید می‌کنند که بدون حمایت مالی کافی اهداف ساخت مسکن محقق نخواهد شد.

علاوه بر این، هماهنگی بین وزارتخانه‌های راه و شهرسازی، صمت و جهاد کشاورزی برای تأمین زمین و مصالح ساختمانی از دیگر نیازهای اساسی برای فعالسازی بخش خصوصی است. زمین‌های دولتی که اغلب به حرم شهرها قرار دارند، می‌توانند به‌صورت ۹۹ساله به پروژه‌های انبوه‌سازی اختصاص یابند تا هزینه‌های اولیه کاهش یابد.

■ **موانع و چشم‌انداز آینده**

اجرای سیاست‌های مسکن از ودیعہ تا ساخت با موانع متعددی مواجه است. کمبود منابع مالی، مقاومت بانک‌ها در ارائه تسهیلات، افزایش قیمت مصالح ساختمانی و ناکافی بودن زیرساخت‌های فنی از جمله این چالش‌ها هستند. با این حال، چشم‌انداز آینده می‌تواند امیدوارکننده باشد، مشروط بر اینکه دولت و مجلس با همکاری بخش خصوصی، برنامه‌ای منسجم برای ساخت مسکن تدوین کنند. افزایش رشد اقتصادی و تقویت قیمت‌ها را تعدیل می‌کند، بلکه به کاهش تعداد مستأجران که اکنون بیش از ۶ میلیون نفر هستند، کمک خواهد کرد. سیاست ودیعہ مسکن، اگرچه گامی در جهت حمایت از دهک‌های پایین است، اما بدون تکمیل باساخت گسترده مسکن، نمی‌تواند بحران را حل کند. دولت باید با بسیج همه ظرفیت‌ها، از جمله انبوه‌سازان و سرمایه‌های بخش خصوصی، به وعده‌های خود در قانون جهش تولید مسکن جامه عمل بپوشاند.